

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن از منظر زنان خانه‌دار شهر قم

محمدباقر علیزاده اقدم*، محمد عباس‌زاده**، فاطمه حسین‌پور***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲

چکیده

زنان همیشه و همواره در جامعه با خانه و خانه‌داری تعریف شده‌اند، فعالیت و زحمات آنان به دلیل بی‌مزد بودن مورد غفلت عامه مردم واقع شده است. در این پژوهش با روش کیفی و با رویکرد نظریه داده‌مبنا، سعی شده با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۲۲ زن، ۲۰ تا ۶۰ سال ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم، فهم آنان از خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن، مورد بررسی قرار گیرد. طبق یافته‌های پژوهش مهم‌ترین مسئله‌ای که زنان با آن روبرو بوده‌اند، هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده بوده و دلایلی که منجر به شکل‌گیری این مسئله شده است را می‌توان در تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی و تداوم سنت‌های پیشین، جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان، ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی، ارتباطات اجتماعی محدود زنان و همچنین عدم ارزش‌گذاری کارخانگی جستجو کرد. این چالش‌ها باعث شده تا استراتژی‌هایی مانند بازاندیشی در هنجارهای مردسالارانه، تبعیض مثبت، پرورش نسل، غربالگری سنت‌ها، اختصاص یارانه، ارائه بیمه رایگان، حمایت مالی توسط دولت، دیده و شنیده شدن توسط جامعه و همچنین کارآفرینی اینترنتی، از منظر زنان جهت کاهش و کم کردن فشار ناشی از این چالش راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: خانه‌داری، زنان خانه‌دار، ارزش کار خانگی، نابرابری جنسیتی، هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده.

m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

m-abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، (نویسنده مسئول).

fateme.hoseinpoor@yahoo.com

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

خانواده در تمام جوامع از گذشته تاکنون اشکال گوناگونی داشته است و به لحاظ شرایط اجتماعی صور مختلفی را به خود گرفته است. زن و مرد در خانواده وظایف متعددی داشتند که همزمان با کاهش ابعاد خانواده، حدود وظایف و مسئولیت‌های هر یک نیز دگرگون شد. مردان مانند گذشته فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه را برعهده داشتند و زنان با توجه به شهرنشینی و محدود شدن تعداد فرزندان و بالا رفتن سطح زندگی، تشویق به خروج از خانه و فعالیت‌های اقتصادی جدید شدند (شیخی، ۱۳۸۲: ۲۸۰). همچنین در طول تاریخ و در سراسر جهان، خانه‌داری پدیده‌ای زنانه تصور و بر زنان تحمیل شده است. با وجود نقش بسیار کلیدی و انکار ناپذیر زنان در تولید و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشورها، متأسفانه نه تنها کار و فعالیت آنان شامل مشاغل رسمی نشده و به عنوان جمعیت غیرفعال اقتصادی در نظر گرفته شده؛ بلکه برعکس به عنوان مصرف‌کننده معرفی شده‌اند.

در سال‌های اخیر، اگرچه مشارکت زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه و کسب مشاغل با دستمزد افزایش یافته است؛ اما این از بار فعالیت‌های بدون دستمزد آنان در خانه نکاسته است؛ در واقع، این امر حاکی از این مسئله است که گرچه زنان حداقل نیمی از وقت و انرژی خود را صرف فعالیت‌های بدون دستمزد داخل خانه می‌کنند؛ اما فعالیت آنان به عنوان یک شغل دیده نشده و ارزش آن در منظر عموم جامعه مورد غفلت واقع شده است؛ تعریف ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران نیز تاییدکننده این امر است؛ براساس این تعریف، خانه‌دار، فردی است که شاغل، بیکار، جویای کار و محصل به حساب نمی‌آید؛ بنابراین خانه‌داری جزء مشاغل محسوب نمی‌گردد و در طبقه‌بندی‌های آماری و جمعیتی موجود کشور، خانه‌داران بخشی از جمعیت غیرفعال محسوب می‌شوند و این در حالی است که براساس تخمین سازمان ملل و بر طبق مطالعات پژوهشی متفاوت، با به رسمیت شناختن خانه‌داری به عنوان یک شغل، ارزش اقتصادی کار خانه در جهان برابر با ۱۱ تریلیون دلار است. همچنین نتایج بررسی

بودجه خانوار که توسط بانک مرکزی ایران انجام شده، تأییدکننده این موضوع است که زنان خانه‌دار (شامل زنان دارای شغل خارج از خانه و زنان بدون شغل خارج از خانه) بخش مهمی از نیروی کار بدون دستمزد را تشکیل می‌دهند که شامل ۲۵/۲ درصد کل جمعیت کشور می‌باشد (بانک مرکزی ج.ا، ۱۳۸۵).

زنان خانه‌دار با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند که از دید عموم جامعه پوشیده است؛ در این راستا، فمینیست معروف، بتی فریدان^۱ در پژوهش خود با عنوان «رازوری زنانه»^۲ به «مشکلی که نامی ندارد»^۳ و یا افسردگی پنهان زنان خانه‌دار و بدون شغل خارج از خانه اشاره کرده است؛ در واقع، وی معتقد است زنان خانه‌دار به دلیل انجام فعالیت‌هایی که بسیار سخت، وقت‌گیر و خسته‌کننده می‌باشد و به‌علاوه بدون ارزش و دستمزد بوده، دچار مشکلات روحی از جمله افسردگی پنهان می‌شوند (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۲۰۳). درواقع، فشار انجام امورخانگی و تحمیل بار آن بردوش زنان منجر به ایجاد یک موقعیت ناموزون می‌شود که رابطه زن و شوهر را در خانواده به شکل یک موقعیت مسلط- زیردست می‌سازد؛ در این زمینه، گیدنز معتقد است با صنعتی‌شدن جوامع و تقسیم فزاینده بین خانه و محل کار، حوزه عمومی و خصوصی در ایستارهای عمومی جای گرفت.

مردان به دلیل اشتغال بیرون از خانه بیشتر با حوزه عمومی (امور محلی، سیاست و اوضاع بازار) سروکار داشتند و زنان به حوزه خصوصی مربوط شدند که وظایفی مثل؛ بچه‌داری و خانه‌داری، نظافت و آماده کردن غذا برای افراد خانواده و... را شامل می‌شد؛ به مرور و بعد از جنگ جهانی زنان وارد بازارکار شدند؛ اما همچنان انجام امور خانه‌داری برعهده آنان بود که در این خصوص هاچ چایلد^۴ مفهوم نوبت دوم^۵ را مطرح می‌کند؛ بدین معنی که زنان بعد از بازگشت از محل کار بیرون از خانه، به فعالیت

-
1. Betty Friedan
 2. Feminine Mystique
 3. The problem that has no name
 4. Childe
 5. Second Turn

سخت و کسالت‌آور در خانه می‌پردازند که منجر به فشار مضاعف بر دوش آنان می‌گردد (گیدنز، ۱۳۹۷: ۵۷۸-۵۶۰).

به طور کلی می‌توان گفت، امروزه باوجود پیشرفت‌های تکنولوژیک در حوزه لوازم خانگی و منزل، نه‌تنها از کار زنان در خانه کاسته نشده؛ بلکه افزایش حجم کارهای خانه منجر به دلسردی، افسردگی و همچنین مانع از افزایش مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان شده است، از سویی دیگر، انتظارات جامعه از زنان برای ایفا کردن نقش‌های متعدد و چندگانه همچون مادری، همسری، خانه‌داری و شغل بیرون از خانه، مسئولیت خانوادگی و اجتماعی آنان را افزایش داده و منجر به بیماری‌های جسمی و روحی متعدد برای زنان شده است. در جوامع توسعه‌یافته نیز باوجود افزایش نرخ اشتغال زنان، آنان با چالش‌های بسیاری روبرو می‌باشند؛ زیرا در تحقیقات انجام گرفته (Crawford, 2006: 387; Craig & Sawrikar, 2007; Kawamura & Brown, 2009; Claffey, & Mickelson, 2010) زنان بخش اعظم کارهای خانه را انجام می‌دهند؛ بدین دلیل که احساس می‌کنند اگر بر سهم مشترک و مساوی انجام کارهای خانه میان خود و همسرشان اصرار کنند، این موضوع باعث از بین رفتن کیفیت مطلوب ارتباطشان می‌شود (Barstad, 2014).

علاوه بر آن گاهی، زنان خود نیز در مولد بودن خود دچار شک و تردید می‌گردند؛ و فعالیت‌های خود در درون خانه را شغل محسوب نمی‌کنند و از آن جهت که زنان خانه‌دار فاقد فضاهای اجتماعی رسمی برای طرح مسائل خود می‌باشند، بسیاری از مسائل مربوط به آنها به صورت پنهان باقی می‌ماند که باعث بروز مشکلات عدیده برای زنان و به تبع آن برای جامعه می‌شود که از جمله این مشکلات می‌توان به تعارضات جدی زناشویی و همچنین طلاق اشاره کرد (Greenstein, 2009; Frisco & Williams, 2003).

با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش در پی درک این مسئله است که زنان خانه‌دار چه چالش‌هایی را در مقابل فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل، تأثیرگذار

می‌دانند؟ پیامدهای عدم در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل از دیدگاه زنان خانه‌دار چه می‌باشد؟ و همچنین زنان خانه‌دار چه استراتژی‌هایی را برای در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل، مؤثر می‌دانند؟ لازم به ذکر است که اکثر کارهای پژوهشی که در این حوزه انجام شده است، به شکل پیمایش بوده و اندک کارهایی که به صورت کیفی انجام گرفته است، ابعاد دیگری از این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند؛ از این رو به نظر می‌رسد، انجام چنین تحقیقی بسیار مهم می‌باشد.

پیشینه تحقیق

الف: تحقیقات داخلی:

صادقی فسائی و میرحسینی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران» با به کارگیری روش تحقیق کیفی و انجام مصاحبه‌های عمیق کیفی با ۲۶ زن خانه‌دار ۲۶ تا ۵۸ ساله تهرانی که ویژگی مشترک آن‌ها تأهل و خانه‌داری بوده است، به بررسی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار بنا به روایت و تجربه زیسته آنان از خانه‌داری پرداختند و نتایج این تحقیق نشان داد، سطح تحصیلات زنان، مادری و به تبع آن تعداد فرزندان، اعتقادات مذهبی و سنتی، میزان مشارکت و فعالیت اجتماعی، مناسبات قدرت در خانواده و میزان تسلط و استیلای مردانه و... در کیفیت زندگی زنان و مواجهه آنان با امور خانه‌داری تأثیرگذار است.

بدری منش و صادقی فسایی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «مطالعه تفسیری نقش خانه‌داری» به چگونگی تقسیم کار در خانواده و تبیین نگرش خود زنان به عنوان ایفاء‌کنندگان نقش خانه‌داری پرداختند. در این پژوهش، از روش کیفی و همچنین مصاحبه عمیق با ۴۰ زن (۲۰ نفر شاغل و ۲۰ نفر خانه‌دار) که به صورت هدفمند از شهر تهران انتخاب شدند، استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که با وجود تغییرات بسیاری که در وضعیت زنان (اشتغال و تحصیلات) رخ داده است، همچنان

مسئولیت مهم‌ترین کارهای خانه بر دوش زنان قرار دارد و با اینکه بیشتر زنان انتقادهای شدید به کار خانگی مبنی بر پایان‌ناپذیری، انزوا و تکراری بودن آن دارند، تحلیل‌گرانش‌های فمینیستی دربارهٔ بردگی و تحت‌ستم بودن زنان در خانه‌داری و استثماری از سوی مردان را قبول ندارند و حاضر به انکار و رد مسئولیت خویش نیستند. آن‌ها، در نهایت، خواهان تغییراتی به‌منظور بهبود وضعیت خویش هستند که شامل استقرار منبع مالی مستقل و همکاری و قدردانی سایر اعضای خانواده به‌ویژه مردان از آن‌هاست.

رستگار خالد (۱۳۹۰)، در مقالهٔ خود با عنوان «اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کار خانگی» با انجام یک بررسی پیمایشی بین ۳۱۱ نفر از زنان شهر تهران، به این نتیجه رسیده است که زنان حتی اگر در پایگاه‌های شغلی هم‌تراز با شوهرانشان، شاغل باشند، همچنان خانه‌داری اشتغال خاص زنان تلقی می‌شود و مشارکت مردان در کار خانه و میزان تحصیلات آن‌ها، انعطاف و محتوای شغلی زنان و سابقهٔ کارشان، منابع مطلوبی برای زنان در جهت انطباق با فشار ناشی از کار خانگی است.

ساعی ارسی و نیک‌نژاد (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «سهم کار خانگی زنان در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه» به بررسی کار بی‌مزد زنان در خانه و با روش بررسی اسناد و مدارک، سعی در شناخت علت‌ها و تفاوت جنسی از دیدگاه فمینیست‌های رادیکال و فمینیست‌های لیبرال، فمینیست‌های چپ (مارکسیست و سوسیالیست) در حوزه کار خانگی داشتند و به این نتیجه رسیدند که به رغم استفادهٔ مداوم از واژهٔ کار خانگی، این مدخل در کمتر کتاب لغت یا دانش‌نامه‌ای وجود دارد. گویی زنان خانه‌دار به کاری اشتغال ندارند. کار خانگی، اشتغال عمومی همه زنان خانه‌دار و شاغل است؛ ولی این واقعیتی بسیار مهم است که به راحتی به دست فراموشی سپرده شده است که علل آن را باید در انتظارات کمال‌جویانه جامعه از زنان در نقش‌های متنوع مادری،

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۰۱

همسری، خانه‌داری و اشتغال بیرون از خانه دانست که پیامدها و عواقب ناشی از کار خانگی بر روی زنان را افزایش داده است.

با توجه به نتایج تحقیقات صورت گرفته مرتبط با موضوع پژوهش، می‌توان اذعان داشت که خانه‌داری امری زنانه تلقی می‌شود و با وجود افزایش حضور و مشارکت زنان در حوزه کار بیرون از خانه، باز این زنان هستند که بخش مهمی از کارهای خانه را انجام می‌دهند و این فشار مضاعفی را بر آنان وارد می‌کند که می‌تواند بر کیفیت زندگی آن‌ها آسیب وارد کند. تمام تحقیقات انجام گرفته این نکته را تأیید می‌کنند که خانه‌داری شغلی بسیار بی‌اهمیت انگاشته می‌شود؛ بدین صورت که گویی زنان خانه‌دار به کاری اشتغال ندارند که این موضوع می‌تواند پیامدها و عواقب ناگواری برای زنان و همچنین خانواده و جامعه داشته باشد.

ب: تحقیقات خارجی:

پینتو و ارتیز^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «فراتر از شاخص‌های فرهنگی، فهم تقسیم کار جنسیتی در خانواده‌های آمریکایی - مکزیکی»، ضمن بررسی نحوه تقسیم کار خانگی در میان ۵۲۴ خانواده آمریکایی - مکزیکی، به این نتیجه رسیدند که عوامل ساختاری و عوامل فرهنگی، پیش‌بینی‌کننده نحوه تقسیم کار در خانواده‌هاست. کار خانه، همچنان مسئولیتی زنانه انگاشته می‌شود. حجم کار زنان توسط شاخص‌هایی چون اشتغال، ادامه تحصیل و درآمد بالا، کاهش می‌یابد و میزان مشارکت مردان بالاتر می‌رود.

بریدمن^۲ (۲۰۱۴)، در پژوهش خود با عنوان «تقسیم کار خانگی: بررسی تجربی تأثیرات زندگی متاهلی بر تخصیص زمان فردی» به بررسی ساعات اختصاص داده شده از سوی زنان و مردان به کارهای خانه و بیرون از خانه پرداخته و به این نتیجه رسیده

1. Pinto & Ortiz
2. Bredtmann

است که هنوز هم تفاوت معناداری بین زنان و مردان در اختصاص به کارهای خانه و بیرون از خانه وجود دارد؛ همچنان مردان، بیشترین وقت خود را به کارهای بیرون از منزل پرداخته و زنان بیشتر زمان خود را به انجام کارهای خانه می‌گذرانند. وی معتقد است این تفاوت در زنان شاغل نیز دیده می‌شود و با وجود اینکه زنان به کار بیرون از خانه می‌پردازند؛ اما باز هم این زنان هستند که وقت بیشتری را به انجام کارهای خانه اختصاص داده و مشارکت مردان اندک می‌باشد و شکستن این کلیشه‌های جنسیتی و تغییر آن‌ها بسیار آهسته و نامطمئن خواهد بود (Sullivan & Bianchi, 2000 ; Gershuny, 2001 ; Miller & Mulvey, 2000).

سالیوان^۱ (۲۰۱۲)، در پژوهش خود با عنوان «نگرش و عقاید مربوط به نقش جنسیتی و زنانه شدن نیروی کار ایرلند» و با اشاره به اینکه طی دو دهه گذشته یکی از چشم‌گیرترین تغییرات در جامعه ایرلند، افزایش قابل توجه تعداد زنان شرکت‌کننده در نیروی کار دارای دستمزد بوده است، سعی نموده تا به بررسی این موضوع پردازد که آیا این تغییر رفتار (ورود چشمگیر زنان به بازار کار) با تغییر در نگرش‌های نقش جنسیتی نیز ارتباط دارد؟ بدین منظور در این پژوهش، برای بررسی تغییرات در نگرش‌های نقش جنسیتی، از برنامه بررسی اجتماعی بین‌المللی سال‌های ۱۹۸۸، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۲ استفاده نموده است. در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها، حاکی از این است که حمایت از نقش‌های سنتی جنسیتی در طول دوره کاهش یافته است. بدین معنی که با ورود زنان به بازار کار، از حجم کارهای آن‌ها در داخل خانه کاسته شد؛ اما همچنان این زنان هستند که وقت بیشتری را به امور خانه‌داری اختصاص می‌دهند؛ اما به طور کلی باید گفت تغییر محسوس در نگرش و رفتار ایرلندی‌ها در مورد ایفای نقش‌های جنسیتی رخ داده است.

1. Sullivan

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۰۳

دیفن باخ^۱ (۲۰۰۲)، در تحقیقی با عنوان «ایدئولوژی‌های جنسیتی؛ تقسیم کار جنسیتی در روابط صمیمانه»، به این نتیجه رسیده است که تقسیم کار خانگی ناشی از این است که چگونه هر یک از زوجین، باتوجه به نقش‌های خانوادگی و یا شغلی که به طور سنتی با ایدئولوژی جنسیتی مرتبط هستند، خودش را تعریف می‌کند.

کولتران^۲ (۲۰۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تحقیق در مورد کار خانگی: مدلسازی و اندازه‌گیری تعامل اجتماعی در کارهای روزمره خانگی»، خود ضمن بیان این نکته که زنان عمده کار خانگی را برعهده دارند، نشان داده است که در تقسیم کارهای خانه، زنان عمدتاً وظایف تکراری و زمان‌بری همچون تمیز کردن منزل، پخت و پز و شستشوی لباس را انجام می‌دهند و این کار فشار زیادی را بر آنها وارد می‌آورد.

در مجموع و با توجه به تحقیقات صورت گرفته در حوزه مرتبط با موضوع تحقیق، می‌توان گفت بخش مهمی از پژوهش‌های انجام شده به روش کمی و پیمایش صورت گرفته و به این نتیجه رسیده‌اند که تجربه زیسته زنان خانه‌دار و یا شاغلی که بخش اعظم کارهای خانه را انجام می‌دهند نادیده گرفته شده است و خانه‌داری همچنان مسئولیتی زنانه انگاشته شده که دارای دستمزد و اهمیت و ارزش نمی‌باشد. در این حوزه اندک کارهایی نیز به روش کیفی انجام شده است که ابعاد و موضوعات دیگری همچون کیفیت زندگی زنان و یا مناسبات قدرت و سایر موضوعات در خانواده را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

مبانی نظری

به تعبیر بلومر^۳، در پژوهش کیفی، مفاهیم حساس^۴ هستند و قطعی نیستند؛ بدین معنی که مفاهیم ایستا نیستند؛ بلکه طی فرآیندی از بازبینی و تفکر کامل می‌شوند؛ بنابراین در

-
1. Diefenbach
 2. Coltrane
 3. Blumer
 4. Sensitizing concepts

پژوهش کیفی پژوهشگر سعی می‌کند تا بفهمد کنشگران اجتماعی چگونه دنیای خود را درک می‌کنند (بلیکی، ۱۳۸۷: ۱۸۳-۱۷۹). به طور کلی، در پژوهش کیفی با ایجاد حساسیت نظری و مفهومی، نظریه می‌تواند ذهن محقق را باز کند؛ اما هدف، دنبال کردن آن نظریه و تأیید یا رد آن نیست (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۳۳). در همین راستا، نظریه‌های مختلفی در رابطه با کار خانگی و خانه‌داری وجود دارند و با توجه به اینکه در این پژوهش بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی تأکید شده است به چند مورد از آن‌ها اشاره خواهد شد. از جمله؛

مرلین فرنچ^۱، معتقد است که نفس کار خانگی امر ناخوشایندی نیست؛ بلکه آنچه آن را دشوار و پرزحمت جلوه می‌دهد، از یک سو، ناعادلانه بودن تقسیم کار در خانه است که باعث می‌شود این کار، فعالیتی زنانه پنداشته شده و جزء وظایف زنان تلقی گردد و از سوی دیگر، بی‌مزد بودن آن است. از نظر وی، کار منزل به‌طور ذاتی، خسته‌کننده و ناخوشایند نیست. بسیاری از مردم، چه زن و چه مرد، از اینکه گاه گاهی غذا بپزند، ظرف‌ها را در ماشین بگذارند یا قفسه‌ای را مرتب کنند، لذت می‌برند؛ اما زمانی که این کار به عنوان فعالیتی زنانه تعریف شود و زنان مجبور باشند با وجود اشتغال در بیرون از منزل، اغلب کارهای خانه را با حداقل مشارکت و همکاری همسرانشان انجام دهند و همچنین زمانی که پول و فضا محدود بوده و یا مادری بچه‌های خردسال و کوچک دارد و مجبور است پس از کار بیرون، خانه‌داری کند، دشوار و پرزحمت می‌شود (طاهرخانی، ۱۳۸۳: ۳۲).

به اعتقاد اکل^۲، خودداری از پذیرش خانه‌داری به منزله کار، هم بازتاب و هم علت پایین بودن منزلت زنان در جامعه است. خانه‌داری عموماً کاری کم‌اجر و قدر، ناشناخته و رایگان است که «کار حقیقی» به حساب نمی‌آید؛ حال آنکه اداره امور خانه، مستلزم صرف ساعت‌ها وقت و انرژی است؛ این موضوع بر مبنای این تصور است که خانه‌داری اشتغالی خاص زنان است و زنان به طور طبیعی از عهده وظایف خانه

1. Marilyn French
2. Oakley

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۰۵

برمی‌آیند و این کار ذاتاً از مردان ساخته نیست. وی معتقد است قواعدی که زنان در انجام امور خانه‌داری بر خود تحمیل می‌کنند نیز در درازمدت این مسئله را تشدید می‌کند و کارهای خانه، رفته رفته تبدیل به هدف می‌شود و صورتی خارجی به خود می‌گیرد و با اسیر شدن زنان در پنجه چیزی که در اصل معیارهایی خودساخته بوده، اختیار و آزادی عمل آنان عملاً از میان می‌رود.

از نظر اکلی و سایر فمینیست‌ها، خانه‌داری کاری واقعی است و از سویی دیگر، الزام‌های خانه‌داری و شرایط فردی و اجتماعی که کارهای خانه‌داری در سایه آن انجام می‌شود، مانع از شکل‌گیری احساس همبستگی میان زنان می‌شود. خانه‌داری، فعالیتی است که در تنهایی انجام می‌شود و آنچه زنان را به کارهای خانه وامی‌دارد، عشق و همسان‌پنداری است. زنان مایلند تا جایی که ممکن است از کار در خانه احساس رضایت کنند و چون معیارهایی روشن و یا پاداش کارفرمایی در کار نیست، طبعاً زنان دیگر را مبنای مقایسه قرار می‌دهند و کیفیت کار خود را با آنان می‌سنجند، در نتیجه، خانه‌داری به جای یکپارچه کردن زنان ایشان را از هم دور می‌کند (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۱۷۹).

یکی دیگر از نظریه‌هایی که در این زمینه می‌توان از آن کمک گرفت، نظریه اسکات هیلدا^۱ می‌باشد، وی معتقد است که اجتماعی شدن کار خانگی و مراقبت از کودکان بسیار مهم است. در واقع او همانند سایر فمینیست‌های مارکسیست، در باب ماهیت و کارکرد کار زنان معتقد است که در جامعه سرمایه‌داری، کار زنان بسیار بی‌اهمیت شمرده شده است. زنان در جامعه سرمایه‌داری مصرف‌کننده محض معرفی شده‌اند؛ به طوری که نقش مردان به دست آوردن پول و نقش زنان خرج کردن آن نمایش داده شده است. مارگارت بنستون^۲ می‌گوید؛ زنان در اصل تولیدکننده‌اند و مصرف‌کنندگی خصلت ثانوی آن‌هاست. وی معتقد است، وعده‌های غذایی مثل ناهار و

1. Scott Hilda
2. Margaret Benston

شام که در بازار تولید شده و به فروش می‌رسد، در خانه توسط زنان تولید می‌شود و اگر زنان محصول کار خود را نمی‌فروشند، به این معنا نیست که کار آن‌ها آسان‌تر است. زنان شاغل، به ویژه زنان متأهل بچه‌دار عملاً دو شغل دارند؛ مشارکت ایشان در بازار کار تنها در صورتی مجاز است که از عهده مسئولیت نخست خود در خانه برآیند، این واقعیت به خصوص در کشورهایی که افزایش فرصت شغلی زنان با گسترشی متناظر در میزان آزادی آنان همراه نبوده است، به وضوح نمایان است (تانگ، ۱۳۸۷: ۹۴).

به طور کلی، فمینیست‌ها معتقدند این ساختارهای اجتماعی است که خانه‌داری را شغلی کم‌اهمیت و بی‌ارزش نشان داده است؛ ساختارهای اجتماعی که مردانه هستند همه‌چیز را بر مبنای جنسیت ارزش‌گذاری نموده‌اند و بر همین اساس، هر آنچه در رابطه با مردان باشد ارزشمند و امور و فعالیت‌های زنانه کم‌ارزش تلقی خواهند شد. فمینیست‌ها بر این باورند که برخلاف تصور عامه مردم، خانه‌داری کاری سخت و توان‌فرساست. از نظر آن‌ها باوری که زن خانه‌دار را «ضعیفه» تلقی می‌کند، از آنجا سرچشمه گرفته که کارهای خانه پنهان از دید عموم و بدون چشم‌داشت مادی و اغلب فقط از روی عشق و علاقه انجام می‌شود (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۱۷۸-۱۷۷).

روش‌شناسی

روش پژوهش حاضر، کیفی و از نوع نظریه داده بنیاد^۱ و با هدف فهم و برداشت جامعه مورد نظر از چالش‌های عدم در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل است. در پژوهش کیفی که بر دیدگاه تفسیرگرایانه و یا تفهیمی مبتنی است به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی کنشگران اجتماعی توجه ویژه می‌شود (شریفی و شریفی، ۱۳۸۰: ۲۷۰) و سعی می‌کند تا رویدادی را به طور مفصل شرح بدهد (راس‌من و مارشال^۲، ۱۳۹۰: ۵۷). در واقع، در روش کیفی، عقیده بر این است که در

-
1. Grounded Theory
 2. Rossman & Marshall

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۰۷

پشت‌پرده اعمال مردم، نیت‌ها و معناهایی نهفته است که محقق در پی آن است که آن‌ها را دریابد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۷۰). در رویکرد نظریه داده بنیاد، نظریه‌ها باید مبتنی بر داده‌های میدانی، به ویژه مبتنی بر اقدامات، تعاملات، و فرآیندهای اجتماعی افراد باشند. بر این اساس نظریه داده بنیاد یک طرح پژوهشی کیفی است که در آن پویسگر نوعی تبیین کلی از یک فرآیند، اقدام یا تعامل ارائه می‌دهد که حاصل دیدگاه‌های تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان است (کرسول، ۱۳۹۴: ۸۶).

در مطالعه حاضر، با ۲۲ زن خانه‌دار ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم مصاحبه شده است و به تحلیل توصیفات این ۲۲ زن خانه‌دار ۲۰ تا ۶۰ ساله پرداخته شده است. در این تحقیق، جهت انتخاب نمونه، از شیوه نمونه‌گیری هدفمند^۱ و نمونه‌گیری نظری^۲ و با استراتژی بیشترین تنوع استفاده شده است. هدف از نمونه‌گیری هدفمند، گزارش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص است؛ به عبارتی دیگر، در این نوع نمونه‌گیری، محقق نمونه‌هایی را گزینش می‌کند که اطلاعات مهمی در رابطه با موضوع پژوهش دارند و به سؤالات خاص محقق در پژوهش موردنظر پاسخ می‌دهند.

(Johnson & Christensen, 2008: 239; Maxwell, 1997: 87)

در نمونه‌گیری نظری، درباره انتخاب و در کنار یکدیگر قراردادن اطلاعات تجربی (موردها، گروه‌ها، سازمان‌ها و ...)، طی فرآیند گردآوری و تفسیر داده‌ها تصمیم‌گیری می‌شود و به عبارتی دیگر، محقق به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و در مورد اینکه چه داده‌هایی در مرحله بعدی گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند تصمیم‌گیری می‌کند (فلیک، ۱۳۹۲: ۱۳۸). بنابراین در این تحقیق، به صورت هدفمند مشارکت‌کنندگانی انتخاب شده‌اند که خانه‌دار هستند یا با وجود اشتغال به کار در بیرون از خانه، همچنان وقت زیادی را به کارهای خانه اختصاص می‌دهند و این مشارکت‌کنندگان تا جایی اضافه شدند که اشباع نظری اتفاق افتاد و داده‌ای به سایر

-
1. Purposive Sampling
 2. Theoretical Sampling

داده‌ها اضافه نشد. تکنیک جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق مصاحبه عمیق بوده، بنابراین با نمونه‌گیری هدفمند شروع و با نمونه‌گیری نظری برای رسیدن به اشباع ادامه داده شد و در نهایت با ۲۲ نفر از زنان خانه‌دار و زنان شاغل ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم (که بخش قابل توجهی از وقتشان را به خانه‌داری می‌گذرانند)، مصاحبه عمیق انجام شد. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در جدول ۱ آمده است. در این فرآیند مصاحبه‌هایی که ضبط شده بودند به متن تغییر یافتند که در سه مرحله کدگذاری شدند (کدگذاری باز، محوری و گزینشی)؛ بدین صورت که از طریق کدگذاری باز^۱ که مستلزم بررسی دقیق همه عبارات‌ها و گاه کلمات متن است (Davies & Dwyer, 2007: 257)، زمینه برای درک بهتر و تبیین موضوع فراهم گردید و به تولید ایده‌های نو و خلاقانه در تحلیل داده‌ها کمک نمود. سپس همان‌گونه که در کدگذاری محوری^۲؛ روند تحلیل یافته‌ها با استفاده از فرآیند گزینش مداوم در کدگذاری باز، منجر به ایجاد مقولات محوری و مهم می‌شود و کیفیت و نوع ارتباط بین آنها را تبیین می‌کند (Charmaz, 2006: 60).

با شناخت ابعاد مختلف و کیفیت ارتباط بین عبارات، رمزگذاری محوری ممکن شد. سپس در مرحله کدگذاری گزینشی^۳؛ مقوله‌های انتخاب شده در کدگذاری باز و محوری به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار داده شد و سپس مقوله هسته انتخاب گردید. در ادامه، باید از اعتبار نتایج تحقیق مطمئن گشت که باید اذعان داشت تحقیق کیفی از اصول و معیارهای متفاوت نسبت به تحقیق کمی برای ارزیابی و سنجش نتایج استفاده می‌کند؛ در این راستا در تحقیق کیفی باور بر این است که هیچ واقعیت واحدی در جهان وجود ندارد و تکرارپذیری یک هدف ساختگی و توهم‌آلود است (Glesne, 2006).

-
1. Open coding
 2. Axial Coding
 3. Selective coding

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۰۹

بنابراین جهت ارزیابی و بررسی صحت نتایج و داده‌های پژوهش از روش تثلیث^۱ استفاده شده است. در همین راستا، یافته‌های تحقیق توسط سه نوع از افراد ۱- محقق و پژوهشگر، ۲- افراد خبره و صاحب‌نظر در حوزه پژوهش‌های زنان و جامعه‌شناسی و ۳- مشارکت‌کنندگان مورد بازبینی و بررسی دوباره قرار گرفت؛ بدین شکل که پژوهشگر، با ارزیابی دوباره متن مصاحبه‌ها، افراد خبره و صاحب‌نظر در حوزه پژوهش‌های زنان و جامعه‌شناسی با بررسی این نکته که آیا برداشت پژوهشگر با برداشت و تفسیر آن‌ها برابر است؟ و مشارکت‌کنندگان با تأیید و یا عدم تأیید این نکته که آیا آنچه پژوهشگر از گفتگوی با آن‌ها برداشت کرده همانند آن چیزی بوده که آن‌ها برداشت کردند؟ به بازبینی مجدد درستی و صحت یافته‌ها پرداختند. در ادامه، جدول ۱ به بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان پرداخته است.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان (زنان ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم)

ردیف	نام مستعار	وضعیت	سن	سن همسر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزند	شغل	تحصیلات	تحصیلات همسر
۱	آرزو	متاهل	۳۱	۳۳	۷	۱	کارمند	لیسانس	لیسانس
۲	سارا	متاهل	۳۵	۳۶	۱۵	۱	مری	لیسانس	دیپلم
۳	محبوبه	مجرد	۳۵	-	-	-	کارمند	لیسانس	-
۴	میینا	متاهل	۲۹	۳۱	۳	ندارد	کارمند	فوق لیسانس	لیسانس
۵	فاطمه	متاهل	۴۰	۴۵	۱۶	۲	معلم	لیسانس	فوق لیسانس
۶	روژان	مجرد	۳۰	-	-	-	مری	فوق دیپلم	-
۷	راحله	متاهل	۵۸	۶۲	۳۸	۲	مری	دیپلم	دیپلم
۸	سولماز	مجرد	۲۵	-	-	-	خانه‌دار	لیسانس	-
۹	نعیمه	متاهل	۳۸	۴۵	۱۶	۲	کارمند	لیسانس	لیسانس
۱۰	ملیحه	متاهل	۴۲	۴۸	۲۴	۲	خانه‌دار	سیکل	سیکل

1. Triangulation

ردیف	نام مستعار	وضعیت	سن	سن همسر	مدت ازدواج (سال)	تعداد فرزند	شغل	تحصیلات	تحصیلات همسر
۱۱	گلنوش	متاهل	۳۲	۴۰	۱۲	۱	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم
۱۲	منیر	متاهل	۵۰	۶۲	۳۰	۳	آرایشگر	دیپلم	سیکل
۱۳	هدیه	متاهل	۴۴	۴۷	۱۷	۱	کارمند	دکترا	دکترا
۱۴	مهرنوش	متاهل	۳۸	۳۸	۵	-	کارمند	دکترا	دکترا
۱۵	بهاره	متاهل	۴۲	۵۰	۲۵	۲	شغل آزاد	دیپلم	لیسانس
۱۶	فرانک	متاهل	۵۰	۵۵	۳۰	۲	کارمند	دیپلم	دیپلم
۱۷	گیسو	متاهل	۴۰	۵۱	۲۳	۲	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم
۱۸	طاهره	متاهل	۴۸	۵۵	۳۰	۳	خانه‌دار	دیپلم	لیسانس
۱۹	اکرم	متاهل	۶۰	۶۱	۲۸	۲	بازنشسته	لیسانس	فوق لیسانس
۲۰	ناهید	متاهل	۳۹	۴۵	۲۰	۱	خانه‌دار	دیپلم	فوق لیسانس
۲۱	سارا	متاهل	۴۰	۴۴	۹	۱	مدرس	دکترا	فوق لیسانس
۲۲	سمیرا	متاهل	۵۱	۵۱	۳۵	۲	خانه‌دار	دیپلم	دیپلم

یافته‌های پژوهش

پس از مصاحبه عمیق با ۲۲ نفر از زنان خانه‌دار و شاغل ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم (که حداقل نیمی از وقت‌شان را جهت انجام امور خانه‌داری می‌گذرانند)، مصاحبه‌های انجام‌شده به متن تغییر یافتند و سپس متن مصاحبه‌ها در سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد؛ بدین شکل که در آغاز، تک تک جملات به مفهوم تغییر شکل یافته و در ادامه، مقوله‌های فرعی و اصلی مشخص شد و در نهایت، مقوله هسته به دست آمد. ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که مقولات مشروح در زیر با توجه به عنوان پژوهش با ابعاد اجتماعی و فرهنگی موضوع مرتبط بوده و سایر مقوله‌ها، همچون مقوله‌های اقتصادی و سیاسی، به دلیل مفصل شدن تحقیق، از ذکر و شرح و بسط آن خودداری شده است. در ادامه، جدول ۲، نمایانگر مقوله‌های فرعی و اصلی و مقوله هسته پژوهش است. در این پژوهش ۱۵ مقوله اصلی از ۴۰ مقوله فرعی استخراج شد که در ادامه این مقولات تشریح خواهند شد.

جدول ۲- مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته پژوهش

مقوله محوری یا هسته	نوع مقوله‌های اصلی	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده	شرایط علی	تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی	ارزیابی استعداد و توانایی افراد بر مبنای معیار «جنسیت»
			نگاه جنس دومی به زنان
			خود کم‌پنداری زنان
			مشروعیت بخشی به هنجارهای مردسالارانه از سوی زنان
			زن ذلیل خواندن مردان در هنگام کمک به همسر
			فشار هنجارهای اجتماعی
			وظیفه پنداشتن خانه‌داری برای زنان از دیدگاه مردان جامعه
	شرایط زمینه‌ای	جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان	یادگیری خانه‌داری در دوران کودکی
			درونی شدن نقش‌های جنسیتی در زنان و مردان
			تحقیر شدن مردان بابت دستمزد دادن به زنان توسط دوستانشان
			خلاهای عاطفی زنان
			ملاک خانه‌داربودن برای دختران در ازدواج
	شرایط علی	تداوم سنت‌های پیشین	عدم دریافت مادی بابت انجام کارهای خانه در گذشته
			عدم پذیرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل توسط جامعه در گذشته
			ترس از مقایسه منفی شدن با سایر زنان
	شرایط علی	ابدئولوژی تقسیم کار جنسیتی	زنانه تعریف شدن خانه‌داری از نگاه عامه مردم
			قبول انجام وظایف خانه‌داری توسط خود زنان
			مشارکت پایین مردان در خانه‌داری
	شرایط مداخله‌گر	ارتباطات اجتماعی محدود زنان	ارتباط ضعیف زنان با محیط بیرون از خانه
			محدود بودن ارتباط زنان به اقوام و فامیل
			حضور پایین زنان در برنامه‌های فرهنگی و تفریحی

	شرایط علی	عدم ارزش گذاری کار خانگی	حقیر و کم ارزش پنداشتن خانه‌داری توسط جامعه		
			عدم شناخت ارزش افزوده کار خانگی توسط افراد جامعه		
			راحت بودن کار خانه از نظر مردان جامعه		
			عدم تعریف خانه‌داری به عنوان یک کار بدون نیاز به مهارت و تخصص		
	استراتژی	بازاندیشی در هنجارهای مردسالارانه	کمرنگ کردن مردسالاری		
			تغییر دادن فرهنگ مردسالار		
	استراتژی	تبعیض مثبت	افزایش سهمیه استخدامی زنان		
			ارائه وام مسکن و اشتغال توسط دولت با اولویت زنان خانه‌دار		
	استراتژی	پرورش نسل	آموزش مشارکت در انجام کارهای خانه به فرزندان پسر و دختر		
	استراتژی	غربالگری سنت‌ها	حذف سنت‌های مردسالارانه		
			ترویج سنت‌های مبتنی بر تساوی جایگاه زن و مرد		
	استراتژی	اختصاص یارانه نقدی	اختصاص حقوق و دستمزد به زنان خانه‌دار توسط دولت		
			اختصاص بخشی از مالیات‌های ارگان‌های دولتی و خصوصی به زنان خانه‌دار		
	استراتژی	اختصاص بیمه رایگان	بیمه کردن زنان خانه‌دار توسط دولت		
			استراتژی	حمایت مالی توسط دولت	در نظر گرفتن مبلغ پایه به زنان خانه‌دار
					استراتژی
			اختصاص تربیون به زنان خانه‌دار در مجامع عمومی		
			برگزاری همایش‌های علمی در خصوص ارزش خانه‌داری		
	استراتژی	کارآفرینی اینترنتی	ساخت نرم‌افزار و برنامه جهت فروش محصولات خانگی زنان خانه‌دار با حمایت دولت		

مقوله اصلی اول: تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی: مهم‌ترین دلیلی که مانع پیشرفت زنان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بوده، عقاید و ایستارهایی می‌باشد که در متن جامعه شکل گرفته؛ این ایستارها همانند کلیشه و قالب‌های تغییرناپذیر در برابر تغییر وضعیت زنان مقاومت کرده و وظایفی بر دوش زنان تحمیل می‌نمایند که خودداری از انجام آن‌ها موجب واکنش منفی افراد می‌گردد. در واقع، کلیشه‌های جنسیتی عقاید و دیدگاه‌های ثابت، فراگیر و نهادینه‌شده اعضای جامعه به زنان و مردان است (Krammara, & Treicher, 1985: 85).

در این مورد، محبوبه ۳۵ ساله که از نگاه تحقیرآمیز و درجه دوم به زنان بسیار گلایه‌مند است اظهار می‌دارد:

«توی جامعه ما هنوز هم خانواده‌هایی هستند که زن‌ها رو موجودات دست دوم و حقیر محسوب می‌کنند؛ حتی هنوز زن‌ها توی این خونه‌ها، بدترین جای خونه می‌نشینند و هر موقع مهمون بیاد میرن توی آشپزخونه و اگر غذا اضافه اومد، زن‌ها می‌خورن».

همچنین، مبینا ۲۹ ساله، در مورد وظیفه پنداشتن خانه‌داری برای زنان از دیدگاه مردان جامعه می‌گوید:

«متأسفانه جامعه ما، ارزش کارهایی که زن‌ها توی خونه می‌کنند رو نمی‌دونند، زحمتی که یک زن می‌کشه، وقتی که توی خونه میذاره اصلاً به چشم نمیاد، از نظر مردم، این کارها خیلی راحت، همش می‌گن به غذا درست کردنه دیگه، شوق‌الْقمر که نمی‌کنید. مردها خانه‌داری رو وظیفه زن‌ها میدونن، از نظر مردم خانه‌داری یعنی یه کاسه، بشقاب جا به جا کردن ساده و اینو هم همه دارن انجام میدن».

به طور کلی، باید اذعان داشت که جنسیت، مفهومی اجتماعی است که اعتبارش را از هنجارها و کلیشه‌های جنسیتی می‌گیرد. با اشاعه و تداوم این مفهوم اجتماعی در تمام اجزاء و بدنه متن اجتماعی، افراد بر همین مبنا مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرند و هرگاه رفتار، توانایی و استعداد مردم بر مبنای جنسیت ارزیابی شود، به تبع

آن رفتار و اعمال خاصی بر مبنای جنسیت از آنان انتظار می‌رود و رفتاری خلاف این مبنای و معیار با واکنش منفی افراد روبرو می‌گردد.

مقوله اصلی دوم: جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان: افراد از طریق جامعه‌پذیری با نظام‌های معنایی و هنجارهای جامعه آشنا می‌شوند؛ در این راستا، جامعه‌پذیری جنسیتی از طریق ایجاد کلیشه‌ها و ایدئولوژی‌های جنسیتی، بر ایجاد ساختمان ذهنی و رفتارهای افراد تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که منجر به شکل‌گیری نگرش‌ها، کنش‌ها و جایگاه‌های خاصی برای دو جنس و جای‌گیری افراد در موقعیت‌های نابرابر می‌شود (کوئن^۱، ۱۳۸۶: ۱۰۳). در واقع، نحوه جامعه‌پذیری متفاوت زنان و مردان آن‌ها را ملزم به رفتارهای جنسیتی خاصی می‌کند؛ تقریباً در تمام جوامع، زنان در درجه اول مسئول خانه‌داری و بچه‌داری هستند و مردان وظیفه نان‌آور بودن را برعهده دارند. این تصور چنان نافذ و از زمره بدیهیات عقل سلیم به شمار می‌آید (آبوت و والاس، ۱۳۸۳: ۱۷۳). در این زمینه روزان، ۳۰ ساله اظهار می‌دارد:

«زن‌ها از بچگی بهشون یاد دادند که باید خونه رو تمیز کنند، واسه مردها غذا درست کنند، من خودم خیلی وقت‌ها که فکرم مشغوله اصلاً نمیدونم چطوری میشه که می‌بینم پای گازم و دارم غذا درست می‌کنم. توی خونه مردها کلاً کارهای فنی رو انجام میدن و شستن و پختن مال زن‌هاست و مردها فقط در مواقع خاص و به ندرت کمک می‌کنند».

همچنین، سارا ۳۵ ساله که از رفتار دوستان همسرش بسیار ناراضی است بیان می‌کند:

«میدونی، من حتی تصور اینکه کارهای خونه رو انجام ندن رو هم تا حالا نکردم، همسر من کمی سنتی است و دوستانش از خودش بدتر هستند و متأسفانه همسر من خیلی تحت تأثیر آن‌هاست؛ یادم می‌آید یک بار یکی از دوستانش بخاطر اینکه یک بار در زندگیمان همسر من شام درست کرده بود، بهش گفته بود، تو مرد نیستی. مگه مرد میره توی آشپزخونه؟!».

ملیحه ۴۲ ساله نیز معتقد است:

«ببینید آخه کار خونه خیلی ظرافت میخواد، مردها که ظریف نیستن. من هر خانواده‌ای رو نگاه می‌کنم، زن‌ها، کار خونه رو انجام میدن و مردها کارهای بیرون از خونه. نه فقط اقوام و فامیل، دوستای خودمم هم همین‌طورن، اونا کار خونه رو انجام میدن و شوهراشون کار بیرون از خونه رو. دوستای شوهرمم همین‌طور هستن. طبیعی هم هست. از بچگی همینو یاد گرفتیم. یادمه یه بار رفته بودیم خونه یکی از آشناهای دور، آقاهه یه جوری پذیرایی می‌کرد، ظرف‌ها رو می‌برد و می‌آورد، انگار زنه. من و آقام همی بهم نگاه می‌کردیم، می‌خندیدیم».

در این راستا باید اذعان نمود که از زمان تولد، والدین رفتار متفاوتی براساس جنسیت کودکان به عمل می‌آورند و نقش‌های متفاوتی برای زنان و مردان تعریف می‌کنند، به طوری که از بچگی به فرزندان می‌آموزند که مردان باید بیرون از خانه باشند و پول در بیاورند و انجام کارهای داخل خانه با زنان و دختران یک خانواده است. از سویی دیگر، این الگوی کار جنسیتی توسط رسانه‌های اجتماعی، مدرسه و به‌ویژه گروه همالان و دوستان فرد نیز تقویت می‌شود.

مقوله اصلی سوم: تداوم سنت‌های پیشین: جامعه صنعتی تفکیکی نوین بین مکان سکونت و محل کار را پدید آورد. بر طبق سنت‌های پیشین، زنان و مردان کارهای متفاوتی را برعهده داشتند، در تمام جوامع، از جمله ایران زنان همانند مردان برای اقتصاد خانواده تلاش می‌کردند و فعالیت‌های تولیدی در داخل خانه انجام می‌دادند و با گذشت زمان و بعد از ظهور سرمایه‌داری، زنان در داخل خانه به امور خانه‌داری پرداختند و مردان مسئولیت نان‌آوری را برعهده گرفتند. در این دوران، فعالیت مردان اقتصادی و تجاری محسوب گردید و امور خانه‌داری، فعالیتی بدون دستمزد بود که نه‌تنها به مرور زمان، به وظیفه زنان مبدل گشت؛ بلکه کم‌ارزش و ناچیز نیز در نظر گرفته شد (سگالن، ۱۳۹۳: ۲۰۱). مثلاً مبینا، ۲۹ ساله در این مورد ابراز می‌دارد:

«اوضاع امروز خیلی بهتر شده، باز ما یک تفریح داریم، قبلاً که زن‌ها کلاً فقط باید

توی خونه می‌بودند و کارهای شوهر و بچه و پخت و پز می‌کردند، بیچاره‌ها همش هم بوی پیاز و غذا می‌دادند. تازه این کار، کاملاً وظیفه زن‌ها بوده و مردها اصلاً زن‌ها رو آدم حساب نمی‌کردند. جامعه هم همین‌طور بوده، زن رو ضعیفه صدا می‌زدن، معلومه همچین موجودی رو هم‌طراز با خودشون نمی‌دیدن که بخوان کاراشو ببین. زن‌های امروزی آگه بخوان دستمزد دریافت کنن بابت کارهاشون، شوهره برمی‌گرده میگه مگه مادرت بابت این کارها پول گرفته، یا مادر من و یا مادر بزرگ‌هامون؟».

همچنین سمیرا ۵۱ ساله می‌گوید:

«پدرشوهر من هر موقع در مورد خودش و بقیه مردها حرف می‌زنه، میگه مرد میره بیرون از خونه، با هزارتا آدم حسابی و ناحسابی سروکله می‌زنه، زحمت میکشه تا یه لقمه نون میاره توی خونه؛ اما به مادرشوهرم که میرسه میگه می‌بینی اینو تکون نخورده، تازه هر روز جوون تر هم میشه. من هفتاد سالمه همه فکر میکنن ۹۰ سالمه، اینم ۷۰ سالشه ولی انگار ۵۰ سالشه (خنده)، میگه سالم و سرحال مونده چون کاری انجام نداده، ۷ تا بچه دنیا آورده، کلاً توی خونه بوده، چه می‌فهمیده پول از کجا میاد، نهایتش یه غذا درست می‌کرده و دوتا ظرف می‌شسته. سمیرا که حرف‌های پدرشوهرش را قبول ندارد می‌گوید: مردهای قدیمی که اصلاً قبول ندارن خانومای خانه‌دار کارشون سخت بوده، ۷ تا بچه بزرگ کردن، بدون امکانات و وسایل امروزی، لباس شستن، جارو کردن، آشپزی، نظافت خونه. بخدا الان ما توی دوتا بچه موندیم. فقط بحث هزینه بچه که نیست. کار بیرون و پول درآوردن خیلی سخته؛ ولی کارهای خونه هم بخدا کم نیست. متأسفانه شوهر من هم تقریباً مثل پدرش هست، افکار قدیمی داره که زحمتای کارای خونه رو نمیبینه؛ خیلی‌ها اینطورین. توی این زمینه هنوز قدیمی فکر میکنن».

به طور کلی باید گفت در گذشته خانه‌داری و وظیفه‌ای کلاً زنانه به شمار می‌آمد؛ این وظیفه، فعالیتی بی‌ارزش و راحت تلقی می‌گردید. زنان باید وظیفه‌ای که بر دوش آنان نهاده شده را بدون کم و کاست و برای راحتی و آسایش اعضای خانواده انجام می‌دادند و این مسئله به عنوان یک سنت امروزه در میان خانواده‌ها تداوم پیدا کرده و مشاهده می‌شود.

مقوله اصلی چهارم: ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی: در همین راستا، زنان با ایدئولوژی‌هایی که بر تقسیم‌کار بر مبنای جنسیت بوده‌اند نیز روبرو بوده‌اند که مردان انجام امور بیرون از منزل را برعهده داشته و وظیفه انجام امور خانه‌داری بر دوش زنان سپرده شده است، برطبق این ایدئولوژی از زنان انتظار می‌رود به بچه‌داری، نظافت، آشپزی و سایر امورخانه‌پردازند؛ زیرا با طبیعت و سرشت آنان همخوانی دارد. درواقع، زندگی خصوصی با تمام تغییراتی که در آن روی داده، هنوز هم قلمرویی است که در آن وظایف طرفین براساس ویژگی‌های جسمی و نگرش‌های خاص جنسیتی از یکدیگر جدا شده است (هولمز^۱، ۱۳۸۷: ۹۸). به عنوان مثال، مهنوش ۳۸ ساله می‌گوید:

«زن و مرد باهم برابرند ولی تفاوت‌هایی در نوع وظایف باهم دارند، کارهای بیرون را مردها بهتر انجام میدن؛ چون قدرت بدنی بهتری دارند؛ ولی کارهای داخل خانه چون احتیاج به ظرافت و دقت بیشتری داره زن‌ها بهتر انجام میدن».

از سویی دیگر، مردان مشارکت و همکاری پایینی در انجام کارهای خانه دارند؛ مثلاً مبینا ۲۹ ساله در این خصوص بیان می‌دارد:

«شوهر من نقش مشوق رو توی خونه بازی میکنه، مثلاً من سفره رو جمع می‌کنم و ظرفها رو می‌شورم و صبونه رو آماده می‌کنم، اونم هی بهم میگه آفرین آفرین (خنده). تقریباً تمام کارهای خونه رو من انجام میدم، همسرم کاری به کارهای خونه نداره».

در مجموع باید اذعان داشت که تقسیم کار جنسیتی به عنوان فعالیتی جا افتاده و نهادینه شده افراد را مجبور به پذیرش و انجام وظایف خاصی می‌کند که در صورت سرپیچی از آن‌ها، مورد سرزنش، تمسخر و طرد اجتماعی قرار می‌گیرند.

مقوله اصلی پنجم: ارتباطات اجتماعی محدود زنان: در راستای نظریه ارتباطات اجتماعی می‌توان گفت که ارتباطات انسانی بر مبنای فعالیت‌هایی همکارانه که به شکلی کاملاً طبیعی و در بستری مفهومی از درک متقابل و انگیزه‌های ارتباطی مشترک و

متقابل شکل گرفته است (Tomasello, 2008). و هدف از این ارتباطات اجتماعی، شناسایی دنیای پیرامون، استفاده از تجارب پیشین افراد برای انطباق با محیط و مهم‌تر از همه به اشتراک گذاشتن دغدغه‌ها و مشکلات و رسیدن به درک مشترک است (Sova & Roberts, 2018). از نظر بوردیو، روابط نهادینه‌شده افراد و یا عضویت در گروه‌ها یک نوع سرمایه اجتماعی است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷).

گلنوش ۳۲ ساله، در این مورد اظهار می‌دارد:

«من شاغل نیستم؛ ولی کارهای خونه خیلی وقتم رو می‌گیره، کمتر میتونم به فامیل سر بزوم. ارتباط اجتماعی هم خیلی ندارم؛ چون وقت آزاد میخواد که با بچه و کارهای خونه امکانش کمه، من بیشتر وقتم را با بچه و کارهای خونه می‌گذروم، نهایت به پدر، مادرم سر می‌زنم و گهگاهی خرید میرم».

همچنین گیسو ۴۰ ساله اظهار می‌دارد:

«من چند ساله تصمیم گرفتم برم کلاس کیف دوزی با چرم، دوست دارم برم باشگاه؛ اما واقعاً وقت نمی‌کنم. شاید باورتون نشه، شوهرم و بچه‌هام که دارن فیلم میبینن منم دارم توی آشپزخونه با صدا فیلم می‌بینم (خنده)، من عادت دارم به فیلم‌های صوتی (خنده)، چون آگه بخوام مثل اونا برم بشینم پای تلویزیون باید کارامو بی خیال بشم. نمیدونم چرا انقد کارام زیاده، هرچی کار می‌کنم باز کار دارم. اصلاً وقت نمی‌کنم برم جایی. فقط هفته‌ای یه بار خونه مامانم، یه بار هم خونه مادرشوهرم. کل مهمونیم با اعضای خانواده خودم و خانواده شوهرمه. مهمونی دارم که تا دو روز بعدش باید ظرف و ظروف جابجا کنم. ماشالله کار خونه تمومی نداره».

در واقع، محدودیت ارتباط، یکی از معضلاتی است که همواره گریبانگیر زنان خانه‌دار بوده است که حتی شامل زنان خانه‌دار با تحصیلات دانشگاهی نیز می‌شود. در واقع، هر فرد در زندگی با سایر افراد در ارتباط است و در اجتماع حضور می‌یابد و ارتباطات اجتماعی مختص به خود دارد و با توجه به اینکه محل انجام امور خانه‌داری، داخل منزل است و کمتر با بیرون از منزل سرو کار دارد، زنان خانه‌دار، دارای کمترین ارتباط با محیط بیرون از منزل هستند و ساعت‌ها به‌تنهایی در خانه مشغول کار خانگی می‌باشند.

مقوله اصلی ششم: عدم ارزش‌گذاری کار خانگی: مورخان فمینیست، تأکید دارند که زنان در تاریخ «پنهان» و «غایب» مانده‌اند. دلیل حذف زنان در تاریخ نیز عمدتاً آن است که در نگارش تاریخ، به رویدادهای «مهم» توجه می‌شود و «اهمیت» را نیز همیشه مردان تعریف و آن را در سپهر عمومی، تعرض و جنگ و ... جست و جو کرده‌اند و در این میان نقش زنان در توسعه و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی از طریق غایب ساختن آن‌ها از مطالعات تاریخی به حاشیه کشانده شده است؛ بدین ترتیب سپهر خصوصی، زندگی روزانه، خانه و کار خانگی مرتبط با زنان جایی در شواهد و مدارک تاریخی نیافت (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۴۷۸). در این خصوص سارا ۴۰ ساله می‌گوید:

«هیچ فردی در این زمینه نمی‌تونه، نقش تأثیرگذاری که زنان در خانه ایفا و آرامش روانی که با حضورشان در خانواده به عنوان یک مادر به خانه هدیه می‌کنن، رو ایفا کنه. زن‌ها با صرفه‌جویی اقتصادی در خانه و مثلاً آشپزی از نظر اقتصادی به خانواده خیلی کمک می‌کنند؛ اما متأسفانه خودشون این رو نمیدونن و از ارزش کارهایی که می‌کنن بی‌خبرند».

همچنین هدیه ۴۴ ساله در این خصوص اظهار می‌دارد:

«همسر من همش میگه بابا شما زن‌ها فکر می‌کنین چیکار می‌کنین، توی خونه نشستین، راحت زیر باد کولر، حالا یه غذا هم درست می‌کنین دیگه، یه برنج دم گذاشتن که اتم شکافتن نیست که، آپولو که هوا نمی‌کنین، این کارا رو همه بلدن».

در واقع می‌توان گفت، خانه‌داری به عنوان یک شغل بی‌اهمیت جایگاهی در منظر عموم مردم ندارد و به دلیل رایگان و بدون دستمزد بودن آن شغل راحت و آسان و بدون نیاز به مهارت خاص تصور می‌شود. زنان در خانه‌داری کالایی که دارای ارزش اقتصادی باشد، تولید نمی‌کنند و نقش اقتصادی اصلی آن‌ها، نقشی با واسطه است؛ به این معنا که زن خانه‌دار با ارائه خدمات به دیگران آن‌ها را قادر می‌سازد تا در فعالیت اقتصادی مشارکت کنند؛ بنابراین براساس معیارهای اقتصادی، خانه‌داری برای زنان،

نقش مصرف‌کننده را تعریف می‌کند و نه نقش مولد و چون بدان مزدی تعلق نمی‌گیرد، در نتیجه به‌عنوان کار نیز محسوب نمی‌شود.

مقوله هسته: هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده

خانه‌داری همواره به دلیل ساختارهای مردسالارانه نهادینه‌شده، مسئولیتی زنانه تلقی شده است که نقش‌ها و وظایف مختلفی را بر عهده زنان قرار می‌دهد و زنان نیز همواره در طول تاریخ این مسئولیت را بدون چشم‌داشت مادی و پرداخت دستمزدی رسمی پذیرفته و انجام داده‌اند. ساختار مردسالارانه، با خود الگوهایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش و هنجار و رفتار را به وجود می‌آورد و این ساختارها زنان و دختران را مجبور به بر عهده گرفتن این مسئولیت و ملاک صحیح جامعه‌پذیری زنان را، انجام هرچه بهتر و دقیق‌تر این وظایف می‌داند (Gelles, 1985: 45).

بر این مبنا می‌توان گفت، ساختار مردسالارانه، با خود الگوهایی از ذهنیت، قضاوت، ارزش و هنجار و رفتار را به وجود می‌آورد. به طور کلی و بر مبنای اظهارات مشارکت‌کنندگان می‌توان اظهار داشت که جامعه مردسالار، جامعه‌ای است که در آن زنان تحقیر و کوچک شمرده شده و برای حفظ اقتدار و سلطه مردان، زنان را انسان‌هایی فرودست و درجه دومی می‌داند که جایگاه اجتماعی پایین‌تری از مردان دارند؛ در تمام جوامع پدرسالار و مردسالار، مردان سهم بیشتری از مزایای اجتماعی همچون قدرت، ثروت و احترام دارند. در واقع، قدمت و سال‌هایی که پدرسالاری و مردسالاری در جامعه ما حکمرانی می‌کند، بسیار طولانی است و این باعث شده بسیاری از زنان خواسته و یا به طور ناخودآگاه با هنجارهای مردسالارانه همراهی کنند. به عبارتی دیگر، هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده، چارچوب معینی از رفتارها، نگرش‌ها، عقاید و ارزش‌ها را برای افراد تعیین می‌کنند که افراد را محدود کرده و مجبور می‌کند در آن چارچوب عمل کنند و تخطی از آن‌ها برای اعضای جامعه هزینه‌هایی در بردارد. در جامعه ما از زنان انتظاراتی وجود دارد که بسیار کمال‌گرایانه

بوده و بر اساس آن از زنان می‌خواهند که امیال و خواسته‌های خود را در نظر نگرفته و در خدمت خواسته‌های سایر افراد خانواده باشند. در چارچوب این ساختارهای مردسالارانه، از زنان انتظار می‌رود که کارهای خانه را حتی در صورت داشتن شغل بیرون از خانه و داشتن فرزندان خردسال انجام دهند و پرورش هویت اجتماعی و اعتلای شخصیت فردی و اجتماعی آنان در اولویت نبوده و تحت‌الشعاع وظایف مادری و همسری و انجام امور خانه‌داری قرار می‌گیرد و زنانی که انتظارات و خواسته‌های مساوات‌طلبانه در انجام امور خانه‌داری دارند را ناسازگار می‌دانند. براساس این هنجارهای مردسالارانه، خانه‌داری نه به عنوان یک شغل؛ بلکه به عنوان وظیفه‌ای زنانه درک و تعریف می‌شود؛ به عبارتی دیگر، زنی که خانه‌دار است با وجود صرف تمام وقت و انرژی و حتی عمر خود شاغل در نظر گرفته نمی‌شود و بدون حقوق، مرخصی و سایر مزایای مشاغل بیرون از خانه، به صورت مادام‌العمر، به کار و فعالیتی اشتغال دارد که وظیفه وی تلقی می‌شود.

استراتژی‌ها

در نهایت، زنان، استراتژی‌های متفاوتی را برای چالش‌های زنانه شدن خانه‌داری انتخاب می‌کنند که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- **بازاندیشی در هنجارهای مردسالارانه؛** محبوبه ۳۵ ساله در این زمینه معتقد

است:

«باید به کار اساسی تو این زمینه بشه، باید از طریق فرهنگ‌سازی، مردسالاری رو کمرنگ بکنیم، میدونم زمان بره ولی تا افکار مردسالارانه توی عرفمون هست، تا زمانی که زن‌ها موجودات بی‌ارزش محسوب میشن، همین روند ادامه پیدا میکنه».

۲- تبعیض مثبت: برخی از مشارکت‌کنندگان خواستار اعمال رفتار و اقداماتی در جهت بهبود موقعیت زنان در خانواده و جامعه شدند؛ مثلاً، مهنوش، ۳۸ ساله اظهار می‌دارد:

«تبعیض بین زنان و مردان در تمام وجوه زندگی کاملاً آشکار و نمایان هست؛ هم توی اجتماع، هم خانواده و هم محل کار، هر زنی طعم تبعیض رو چشیده، من که میگم برای اینکه بشه تبعیض‌ها رو یک کاهش داد، باید یه قوانینی مختص زنان و فقط به نفع زنان وضع کنیم؛ مثلاً من توی یه شرکت دیدم که فقط از افرادی که سابقه کیفری داشته، نیرو استخدام می‌کردند. خب چه اشکالی داره بعضی از شرکت‌های ما فقط نیروی خانم استخدام کنه یا دولت سهمیه استخدام زنان رو بیشتر از مردان کنه تا کم کم نیروی کار مردانه متعادل بشه؛ در مورد زنان خانه‌دار هم مثلاً وام به زنان خانه‌دار با درصد کم بده، یا مثلاً زنان خانه‌دار در طرح‌های مسکن سازی دولت در اولویت باشن تا زودتر صاحب خونه باشن».

۳- پرورش نسل: بدین معنی که زنان خانه‌دار از خود شروع کنند؛ شروع به تربیت و پرورش نسلی که متعهد است و نگاه فراجنسیتی به امور خانه‌داری دارد؛ مثلاً فاطمه ۴۰ ساله در این خصوص معتقد است:

«من میگم خانومای خانه‌دار باید خودشون یه کارهایی بکنن؛ من آگه به پسریچم یاد بدم که ظرف شستن و جارو کردن و آشپزی توی خونه برای آقایون عیب و عار نیست و به دخترم هم یاد بدم که مسئولیت کارهای خونه برعهده خودش و مادرش نیست و برادر و پدرش هم میتونن همون کارها رو انجام بدن؛ زمانی که همه اعضای خانواده درگیر کارهای خونه باشن و بچه‌ها از دوران کودکی این چیزها رو ببینن، توی زندگی خودشون هم همین رفتارو انجام میدن و مطمئناً احساس رضایت بهتری از زندگی مشترک پیدا میکنن. من میگم اشکالی نداره، شاید الان توی نسل ما آقایون مشارکت زیادی توی کارهای خونه ندارن؛ اما یک نسل باید هزینه کنه، تا نسل‌های بعدی ازش استفاده کنن، به قول شاعر که میگه دیگران کاشتند و ما خوردیم، ما بکاریم و دیگران بخورند».

۴- **غربالگری سنت‌ها:** بدین معنی که رسوم و سننی که مردان و زنان را دارای جایگاه برابر و مساوی می‌داند از رسوم و سننی که بر تداوم نابرابری و فاصله اجتماعی بین دو جنس تأکید دارد باید جدا شود و سعی در حفظ سنن نوع اول و حذف سنن نوع دوم داشت. در این راستا، ناهید ۳۹ ساله می‌گوید:

«میدونی ما به سنت‌هایی از قدیم داریم که میگه مرد خدای روی زمین یا مرد خدای کوچک هست. هنوز هستن آدمایی که این سنت‌های غلط و اشتباه رو باور دارند. من فکر می‌کنم تا این سنت‌های دست و پا گیر هستند جامعه ما پیشرفت نمیکنه. همکار من تعریف می‌کرد می‌گفت همسرش توی خونه ظرف می‌شوره، جاروبرقی میکشه؛ اما جلوی خانوادش هرگز این کارو نمیکنه، میگه ما توی فامیلمون رسم نداریم مرد توی خونه کار کنه».

۵- **اختصاص یارانه نقدی:** بدین شکل که دولت برای زنان خانه‌دار از مالیات شرکت‌ها و مؤسسات، ارگان‌های دولتی و یا حقوق کارمندان مبلغی را به عنوان یارانه به زنان اختصاص دهد؛ سارا ۴۰ ساله در این خصوص بیان می‌کند:

«ببینید، زنان خانه‌دار باید حمایت مالی بشن، این کار هم به نظرم باید از طرف دولت باشه، منبعش هم وجود داره، آگه دولت بخواد میتونه مثلاً بخشی از مالیات‌هایی که از ارگان‌های دولتی یا شرکت‌های خصوصی و یا حتی از کارمندا میگیره رو به این کار اختصاص بده».

۶- **اختصاص بیمه رایگان:** به نظر برخی از مشارکت‌کنندگان دولت باید بیمه تأمین اجتماعی و خدمات درمانی رایگان به زنان خانه‌دار ارائه دهد؛ مثلاً، هدیه ۴۴ ساله و دارای مدرک دکترای در این رابطه می‌گوید:

«به نظر من بهترین کاری که دولت میتونه واسه خانومای خانه‌دار بکنه آینه که اونا رو بیمه تأمین اجتماعی و یا خدمات درمانی بکنه، خانومای خانه‌دار با گذشت زمان دچار بیماری‌های بسیاری میشن، چه روحی چه جسمی، افسردگی، کمردرد و پادرد و هزار مشکل دیگه توی زندگی مشترک براشون بوجود میاد، زمانی که تحت بیمه درمانی باشند دغدغه هزینه‌های درمان رو ندارن».

۷- **حمایت مالی توسط دولت:** نعیمه ۳۸ ساله در این زمینه معتقد است:

«یه راهی وجود داره که از خانومای خانه‌دار حمایت خوبی میکنه؛ چه خانومایی که همسرشون در قید حیات هست، چه اونایی که همسرشون فوت کرده؛ مثلاً دولت یه مبلغی به عنوان پایه در نظر بگیره و بعد به ازای هر یک سال زندگی مشترک بیشتر اون مبلغ پایه افزایش پیدا بکنه و به خانومهای خانه‌دار پرداخت بشه».

۸- **دیده و شنیده شدن توسط جامعه:** در این خصوص، برخی از مشارکت‌کنندگان معتقدند صدا و سیما باید به ساخت برنامه‌های تلویزیونی پرداخته و از زنان خانه‌دار جهت طرح مشکلاتشان دعوت به عمل آورد؛ مثلاً گیسو ۴۰ ساله اظهار می‌دارد:

«یادتونه مهران مدیری یه برنامه داشت که از مشاغل مختلف یه نفر رو دعوت می‌کرد؛ قصاب، نجار، بنا، طلافروش و خیلی‌های دیگه، صدا و سیما یه برنامه اینطوری درست کنه و از خانه‌دارها دعوت کنه تا بیان و در مورد مشکلاتشون حرف بزنن، این باعث میشه هم ارزش خانه‌داری دیده بشه و هم مشکلات خانه‌دارها مطرح بشه و براش راه‌حل دیده بشه».

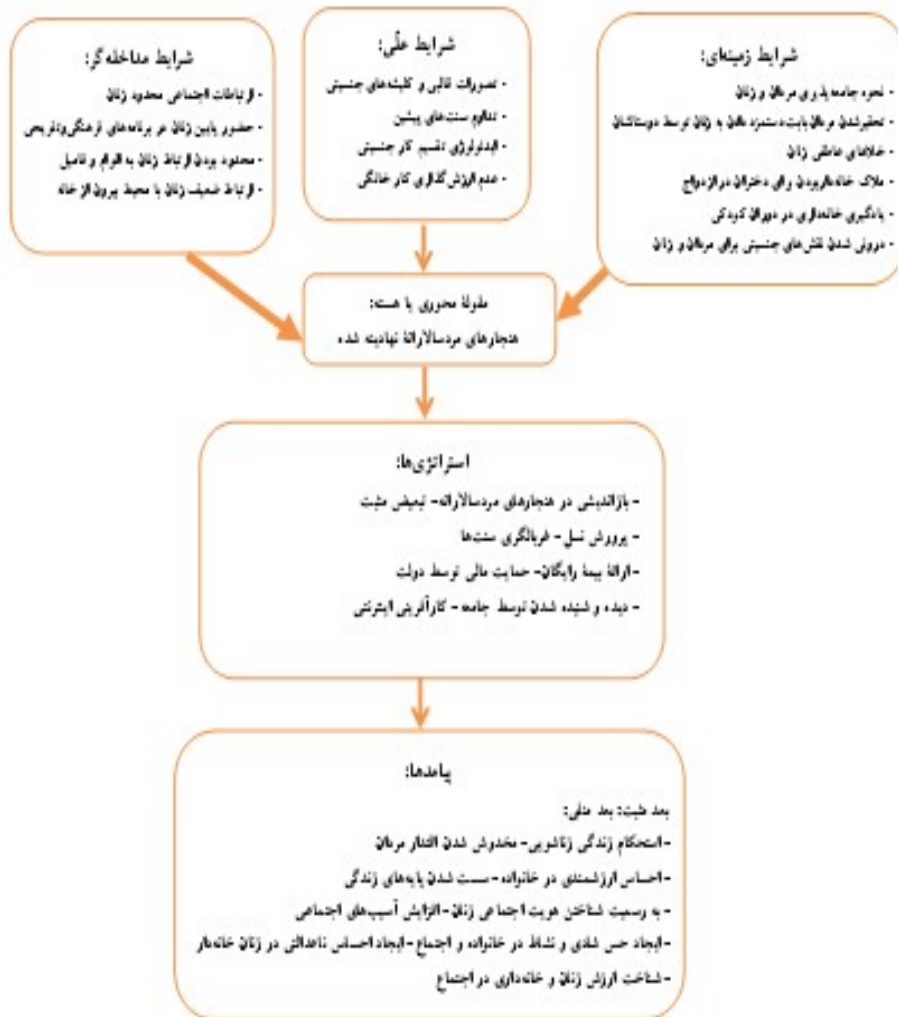
۹- **کارآفرینی اینترنتی؛** بدین منظور مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که دولت باید زیرساخت‌های شبکه و اینترنت رایگان برای زنان خانه‌دار را جهت فروش محصولات خانگی آنها در سراسر کشور فراهم آورد؛ مثلاً، فاطمه ۴۰ ساله در این مورد می‌گوید:

«من چند وقت پیش رفتم فرهنگسرا، اونجا یه طرحی رو داشتن اجرا می‌کردن، با یک شرکت قرارداد بسته بودند، اونا اطلاعات خانه‌دارها رو وارد یه نرم‌افزار کرده بودن، اون نرم‌افزار رو همه‌جا تبلیغ کرده بودن، در سایت دیوار، بازار و اداره‌ها و کانال‌های مختلف تلگرامی. خانه‌دارها محصولات خودشون مثل عروسک، مانتو و لباس و حتی غذاهای سنتی و ... رو توی اون نرم‌افزار تبلیغ می‌کردن، می‌فروختن و درآمدزایی می‌کردن؛ دراصل اینا کارهایی هست که توی خونه هم انجام می‌دادن و بابتش پول نمی‌گرفتن. این طرح رو میشه کم کم توی کل کشور انجام داد».

به طور کلی، امروزه، زنان بیش از گذشته در قبال کارهایی که انجام می‌دهند، انتظارات و خواسته‌هایی دارند. زنان بیشترین وقت و انرژی خود را صرف اموری می‌کنند که بابت آن هیچ پولی دریافت نمی‌کنند. این نیروی کار مهم و حیاتی مطالباتی دارد که باید بدان توجه ویژه نمود تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری نموده و مسیر توسعه هرچه بیشتر جامعه را فراهم نمود. به عبارتی دیگر، زنان خانه‌دار بیش از گذشته مطالبات خود را پیگیری می‌کنند و نگاه و توجه به این مطالبات می‌تواند منجر به استحکام بنیان خانواده‌ها شده و اعضای جامعه محیط عادلانه‌تری را جهت رشد و تعالی شخصیت خود تجربه کنند.

مدل پارادایمی

طبق یافته‌های پژوهش، مهم‌ترین چالش و مانعی که زنان با آن روبرو بوده‌اند، هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده بوده است. دلایلی که منجر به شکل‌گیری این مسئله شده است را می‌توان در تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی، تداوم سنت‌های پیشین، ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی و همچنین عدم ارزش‌گذاری کار خانگی جستجو کرد. این چالش‌ها در بستر و زمینه‌ای مثل جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان، تحقیر شدن مردان بابت دستمزد دادن به زنان توسط دوستانشان و خلأهای زنان، ملاک خانه‌دار بودن برای دختران در ازدواج، یادگیری خانه‌داری در دوران کودکی و همچنین درونی شدن نقش‌های جنسیتی برای مردان و زنان و با مداخله ارتباطات اجتماعی محدود زنان، حضور پایین زنان در برنامه‌های فرهنگی و تفریحی، محدود بودن ارتباط زنان به اقوام و فامیل و همچنین ارتباط ضعیف زنان با محیط بیرون از خانه، باعث شده تا مشارکت‌کنندگان، پیامدهای مثبتی همچون استحکام زندگی زناشویی، احساس ارزشمندی در خانواده، به رسمیت شناختن هویت اجتماعی زنان، ایجاد حس شادی و نشاط در خانواده و اجتماع و همچنین شناخت ارزش زنان و خانه‌داری در جامعه و از سویی دیگر، برخی از مشارکت‌کنندگان، پیامدهای منفی مانند مخدوش شدن اقتدار



مدل پارادایمی فهم خانه‌داری از منظر زنان خانه‌دار ساکن مناطق هشت‌گانه شهر قم

مردان، سست شدن پایه‌های زندگی، افزایش آسیب‌های اجتماعی، ایجاد احساس ناعادالتی در زنان خانه‌دار را متصور باشند و در انتها، مشارکت‌کنندگان استراتژی‌هایی مانند بازاندیشی در هنجارهای مردسالارانه، تبعیض مثبت، پرورش نسل، غربالگری

سنت‌ها، اختصاص یارانه نقدی، ارائه بیمه رایگان، حمایت مالی توسط دولت، دیده و شنیده شدن توسط جامعه و کارآفرینی اینترنتی را جهت کاهش و کم کردن فشار ناشی از این چالش مؤثر بدانند. در نهایت مدل پارادایمی پژوهش ترسیم شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق که با هدف بررسی «فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن» صورت گرفته، با استفاده از روش کیفی و رویکرد نظریه داده بنیاد و همچنین با استفاده از مصاحبه عمیق و با نمونه‌گیری هدفمند و نظری، داده‌ها جمع‌آوری شد و با تحلیل داده‌ها به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت. یافته‌های تحقیق به مفاهیم تبدیل گشت که شامل ۴۰ مقوله فرعی، ۱۵ مقوله اصلی و یک مقوله هسته است. این نتایج، در قالب جدول مفاهیم، مقوله‌های فرعی، اصلی و هسته ارائه شد. سپس مدل پارادایمی تحقیق براساس شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها، با مرکزیت مقوله هسته ترسیم شد. در همین راستا، با توجه به مقوله‌های اصلی به دست آمده و با نوشتن خط سیر داستان به شرح و توضیح داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود؛

زنان خانه‌دار جهت در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل با موانع و چالش‌های متفاوتی روبرو هستند که مهم‌ترین آن‌ها هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده می‌باشد؛ این هنجارها، به خواسته‌ها و نیازهای مردان توجه داشته و مسائل و دغدغه‌های زنان را در اولویت قرار نمی‌دهد؛ در واقع این هنجارها به دلیل اینکه سال‌ها و حتی قرن‌ها تداوم داشته‌اند، در ذهن افراد نهادینه و درونی شده‌اند و به همین دلیل اصلاح و تغییر آن‌ها، مشکلات خاصی را به همراه خواهد داشت.

همچنین در ایجاد هنجارهای مردسالارانه نهادینه شده به عنوان مانع اصلی جهت در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل چندین شرایط علی نقش دارند؛ یکی از شرایط علی،

تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی است؛ بدین صورت که جنسیت افراد نه به‌عنوان یک ویژگی طبیعی؛ بلکه بر مبنای معیارهای فرهنگی و اجتماعی ارزیابی می‌گردد که در این بستر فکری، زنان موقعیت فرودست داشته و جایگاه و منزلت پایین‌تری دارند و به تبع آن، این جایگاه فرودست بر فعالیت و کارهای آنان سایه افکنده و منجر به کم‌ارزش دانستن کار و فعالیت آن‌ها می‌گردد. در همین راستا، برخی از زنان با خود کم‌پنداری و همچنین مشروعیت بخشی به این تصورات قالبی با کلیشه‌ها جنسیتی همراهی می‌کنند. در واقع، می‌توان گفت کلیشه‌های جنسیتی، از گذشته تاکنون همراه افراد جامعه بوده است و با معیار و معتبر دانستن «جنسیت»، بر پایه همین مبنا و معیار در مورد افراد قضاوت می‌شود و به آنان جایگاه خاصی را می‌بخشد.

زنان در طول تاریخ با محدودیت‌های بسیاری مواجه بوده‌اند و باوجود داشتن استعداد و توانایی تنها به دلیل اینکه زن آفریده شده‌اند، از موقعیت‌های اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند؛ گرچه در جوامع امروزی تلاش بسیاری شده است تا «جنسیت» مبنا و معیار در نظرگرفتن استعداد افراد نباشد و از همین رو فاصله جنسیتی و موقعیت فرادست- فرودست تاحدی از بین رفته است؛ اما همچنان «جنسیت» معیار و سنجه‌ای است که براساس آن توانایی‌ها و استعداد اعضای جامعه سنجیده می‌شود و کلیشه‌های جنسیتی نقش مهمی را در زندگی آن‌ها بازی می‌کنند. در این پژوهش نیز همچنان که مشارکت‌کنندگان اظهار داشته‌اند، وظایف خاصی بر مبنای جنسیت بر افراد تحمیل شده است و در این راستا، خانه‌داری امری زنانه و همسو با ویژگی‌های جنس مؤنث در نظر گرفته می‌شود. این کلیشه‌های جنسیتی سالیان سال و با گذشت زمان در ذهن افراد جای گرفته و افراد را مجبور می‌کند تا در آن چارچوب عمل کنند. این بخش از پژوهش با نظریات آندره میشل^۱ (۲۰۰۲)، در خصوص تبعیض جنسیتی و کلیشه‌های جنسیتی همسو است.

1. Andree Michel

عامل دیگری که از منظر زنان خانه‌دار مانع در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل می‌گردد، عدم ارزش‌گذاری کار خانگی است و از آنجا که در تمام جوامع، پول و ثروت نقش ویژه‌ای در تعیین جایگاه و موقعیت افراد بر عهده دارند و زنان کار خانگی را بدون دریافت حداقل دستمزد انجام می‌دهند، جایگاه آنان و به تبع آن ارزش فعالیت و کارهایی که انجام می‌دهند در بین عامه مردم مورد غفلت واقع شده است. ارزش افزوده کاری که زنان در خانه انجام می‌دهند، محاسبه نشده و بیشتر مردم آن را شغلی می‌دانند که نیاز به مهارت و تخصص خاصی ندارد و به همین دلیل اهمیت و ارزش نخواهد داشت و این در صورتی است که خانه‌داری شغل و فعالیتی بسیار وقت‌گیر است و نیاز به انرژی و وقت زیادی دارد.

از سویی دیگر، فعالیت‌هایی که زنان خانه‌دار انجام می‌دهند؛ همچون آشپزی، نظافت، شست و شوی لباس و ظروف، آموزش دروس به فرزندان، نگهداری از سالمندان و... کلاً فعالیت‌هایی هستند که اگر از سوی فرد دیگری غیر از زن خانه‌دار انجام شود، بابت آن باید پول پرداخت نمود؛ اما زن خانه‌دار آن را به صورت رایگان انجام می‌دهد و با محاسبه مادی کارهایی که یک زن خانه‌دار انجام می‌دهد، می‌توان ادعان داشت که فعالیت آنان سهم بزرگی در اقتصاد خانواده و به طور کل در اقتصاد جامعه دارد. همچنین این بخش از پژوهش هم راستا با نتایج پژوهش تجربی باقری (۱۳۹۰)، می‌باشد.

از دیگر شرایط علی که از نظر زنان خانه‌دار منجر به عدم در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل گردیده است، تداوم سنت‌های پیشین می‌باشد؛ بدین شکل که بر طبق سنت‌های پیشین چون خانه‌داری وظیفه‌ای زنانه در نظر گرفته شده، زنان حتی اگر تمایل به انجام امور خانه‌داری نداشته باشند، نمی‌توانند از انجام آن سرباز زنند، زیرا این سنت‌ها همچنان تداوم داشته و از گذشته تاکنون در زندگی افراد بسیار مهم و تأثیرگذار بوده و زنان قدرت مبارزه با سنت‌های پیشین را نداشته و نمی‌توانند در مقابل آن‌ها بایستند. به طور کلی باید گفت در گذشته زنان، بیش از پیش تحت سلطه و استیلای

مردان در خانواده بودند، گذشته‌ای که چندان دور نیست و تقریباً دوره معاصر تاریخی را در بر می‌گیرد. الگوی روابط زن و شوهر متفاوت بود و زنان هیچ هویتی نداشته و جیره‌خوار مردان بوده‌اند.

در الگوی سنتی خانواده، خانواده با محوریت «مرد نان‌آور» و «زن خانه‌دار» و نقش زنان در زندگی زناشویی عبارت بود از خانه‌داری، شوهرداری، بچه‌داری و تهیه غذا برای شوهر و فرزندان. زنان نه تنها در قبال این کارها از مردان و دولت پولی دریافت نمی‌کردند؛ بلکه عرف و هنجارهای اجتماعی این امر را جز وظایف زنان دانسته و کوچکترین اهمالی را با شدت فراوان، پاسخ می‌گفت و حتی به اصطلاح عامیانه «حیف نان» هم می‌دانست. در واقع، باید گفت این هنجارهای قدیمی، نسل به نسل به افراد منتقل و همچنان در میان مردم قابل قبول و پذیرفتنی به نظر می‌رسد. به عبارتی دیگر، این هنجارها که از گذشته به افراد به ارث رسیده‌اند، هنوز هم ملاک و معیار رفتار و اعمال اجتماعی افراد هستند. این بخش از پژوهش با نظریات مارتین سگالن (۱۳۹۳)، هم راستا می‌باشد.

چالش و مانع دیگری که منجر به عدم در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل از منظر زنان خانه‌دار شده است، ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی می‌باشد؛ بدین صورت که این ایدئولوژی به سان یک چارچوب اخلاقی عمل کرده و خوب و بد را از هم متمایز ساخته و به افراد تحمیل می‌کند. در ایدئولوژی‌هایی که بر مبنای جنسیت پایه‌گذاری شده‌اند، افراد بر همین مبنا و معیار وظایف خاصی برعهده دارند که سرپیچی از انجام آن‌ها، عکس‌العمل منفی اطرافیان را در پی خواهد داشت. بنابراین در هر حالتی، چه زنان شاغل باشند یا خانه‌دار، دارای تحصیلات یا فاقد آن و یا از طبقه بالا یا پایین باشند، به هر حال مسئولیت مهم‌ترین کارهای خانه با آن‌هاست. این ایدئولوژی بر ذهن زنان نیز تأثیر گذاشته و بر مبنای آن عمل می‌کنند. تقسیم کار جنسیتی در اکثر خانواده‌های ایرانی وجود دارد و گرچه این نوع تقسیم کار امروزه کمرنگ‌تر شده است؛ اما همچنان مشارکت مردان در انجام امور خانه‌داری نسبت به زنان پایین است و خود

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۳۱

زنان بر مبنای این ایدئولوژی، تقسیم کار جنسیتی را پذیرفته و خانه‌داری را وظیفه‌ای زنانه می‌دانند. این بخش از پژوهش با نظریات گیدنز (۱۳۹۷) و آبوت و والاس (۱۳۸۳)، همخوانی دارد.

در مجموع، تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی، تداوم سنت‌های پیشین، عدم ارزش‌گذاری کار خانگی و همچنین ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی از جمله شرایط علی بودند که از منظر زنان خانه‌دار مانع در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل می‌شوند. از سویی دیگر، از نظر زنان خانه‌دار، آنچه که بستر و زمینه لازم جهت ایجاد سد و مانع در برابر در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل را فراهم می‌کند، جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان می‌باشد. مشارکت‌کنندگان معتقدند که از دوران کودکی خانه‌داری به عنوان یک وظیفه مختص زنان به دختران تحمیل می‌شود؛ به طوری که حتی در بزرگسالی نیز خانه‌دار بودن آنان ملاک و مبنایی در ازدواج و انتخاب همسر می‌باشد. در واقع، جامعه‌پذیری فرآیندی است که به موجب آن شخص، هنجارهای گروه‌هایی که در بین آن‌ها زندگی می‌کند را می‌آموزد. خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی، گروه همالان، عواملی هستند که در فرآیند اجتماعی شدن انسان‌ها نقش دارند و فرد، نقش‌های جنسیتی، نمادها، هنجارها و ارزش‌های جامعه را در طول زندگی و از طریق افرادی که با آن‌ها در ارتباط است، یاد می‌گیرد و در زندگی به کار می‌برد.

به عبارتی دیگر، افراد از دوران کودکی، رفتارهای اجتماعی را می‌آموزند؛ در همین دوران به دختران خردسال آموخته می‌شود که باید آشپزی کنند، نظافت خانه را انجام دهند و سایر کارهای خانه را انجام دهند؛ از سویی دیگر، به پسران آموخته می‌شود که باید در بیرون از منزل به فعالیت اشتغال داشته و درآمد کسب کنند. بر همین مبنای خانه‌داری فعالیتی مختص زنان تعریف شده که بدون دستمزد نیز می‌باشد و به مردان القا می‌کند که برای انجام فعالیت‌های خانه‌داری ساخته نشده‌اند؛ بنابراین زنان و مردان به نحو متفاوتی رشد می‌کنند. آن‌ها در طول دوران عمر خود می‌آموزند که بر مبنای

جنسیت خود رفتار کنند. این قسمت از پژوهش با نتایج پژوهش ایمان و همکاران (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

در نهایت آنچه که مداخله مؤثری در عدم در نظر گرفتن خانه‌داری به عنوان یک شغل از منظر زنان خانه‌دار دارد، ارتباطات اجتماعی محدود زنان می‌باشد؛ با توجه به اینکه خانه‌داری مستلزم انجام فعالیت در درون منزل می‌باشد، به همین دلیل زنان تقریباً به صورت تمام وقت سرگرم رسیدگی به امور خانه و بچه‌داری بوده و وقت اضافی برای ارتباط برقرار کردن با افراد در بیرون از منزل یا اجتماع را ندارند و این باعث شده که زنان زمان کافی جهت ارتقاء فردی و اعتلای شخصیت نداشته و دایره روابط آن‌ها هر روز کمتر شود. محدود بودن ارتباطات اجتماعی زنان در جامعه ما باعث شده مسائل و مشکلات آنان در حاشیه قرار گرفته و به عبارتی دیگر صدای آن‌ها شنیده نشود؛ از این روست که فمینیست‌ها زنان را در جوامع مردسالار «دیگری» می‌نامند که این امر منجر به بروز مشکلاتی از جمله افسردگی در زنان می‌شود.

محدودیت ارتباطات اجتماعی زنان خانه‌دار تنها باعث مشکلات روحی همچون افسردگی نمی‌شود؛ بلکه مشکلات بیشتری به همراه داشته است؛ از جمله، به حاشیه رانده شدن زنان خانه‌دار. بدین صورت که مسائل و مشکلات آنان به دلیل نداشتن ارتباطات گسترده، به گوش آحاد جامعه نمی‌رسد و عامه مردم از ارزش مادی و معنوی و همچنین سختی و مشکلات و مسائل آنان بی‌اطلاع مانده که به نوبه خود بیش از پیش منجر به در حاشیه ماندن زنان خانه‌دار می‌گردد. این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش تجربی (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵)، همخوانی دارد.

در مجموع، تحلیل داده‌ها، براین امر اذعان دارند که مسائل و مشکلاتی که زنان با آن روبرو هستند، (براساس مقوله‌های به دست آمده) را می‌توان در دو گروه متفاوت دسته‌بندی کرد: ۱- مسائلی که به ساختارهای کلان اجتماعی مرتبط می‌شوند و ۲- چالش‌هایی که زنان در سطح خرد، توسط افراد خانواده (همسر، فرزندان، پدر و سایر اعضای خانواده) و حتی دیدگاه‌های سایر زنان با آن روبرو هستند که در مجموع

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۳۳

این دو مسئله، چالش‌های سختی را در مقابل در نظرگرفتن «خانه‌داری به عنوان یک شغل» فراهم می‌آورند و نتایج مصاحبه‌ها نشان داد که این چالش‌ها را در ۶ مقوله (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر)، می‌توان جمع‌بندی کرد که عبارتند از: ۱- تصورات قالبی و کلیشه‌های جنسیتی؛ ۲- تداوم سنت‌های پیشین؛ ۳- جامعه‌پذیری متفاوت مردان و زنان؛ ۴- ایدئولوژی تقسیم کارجنسیتی؛ ۵- ارتباطات اجتماعی محدود زنان و ۶- عدم ارزش‌گذاری کارخانگی زنان. و در نهایت، چالش‌های پیش‌روی زنان در جهت شهروند خانوادگی شدن باعث شده است زنان خانه‌دار راه‌حل، استراتژی و پیشنهادهایی مانند بازاندیشی در هنجارهای مردسالارانه، تبعیض مثبت، پرورش نسل، غربالگری سنت‌ها، اختصاص یارانه نقدی، ارائه بیمه رایگان، حمایت مالی توسط دولت، دیده و شنیده شدن توسط جامعه، و کارآفرینی اینترنتی را جهت کاهش و کم کردن فشار ناشی از این چالش مؤثر بدانند.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- ابراهیمی، جعفر و صالحی، فرزانه. (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار»، *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره ۱۳: ۴۷-۶۰.
- ایمان، محمدتقی؛ احمدی، حبیب و سلطانی، طاهره. (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل موثر بر نگرش والدین نسبت به جامعه‌پذیری جنسیتی فرزندان: مطالعه نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل شهر شیراز»، *نشریه مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱، پیاپی ۳: ۳۴-۵۴.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه: مریم وتر، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- باقری، شهلا. (۱۳۹۰)، «ارزش افزوده کارخانه‌داری زنان و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۳: ۸۹-۱۰۹.
- بدری‌منش، اعظم و صادقی‌فسایی، سهیلا. (۱۳۹۴)، «مطالعه‌ی تفسیری نقش خانه‌داری»، *فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده*، سال دهم، شماره ۳۱: ۵۹-۸۷.
- برناردز، جان. (۱۳۹۳)، *درآمدی بر مطالعات خانواده*، ترجمه: حسین قاضیان، تهران: نشرنی، چاپ پنجم.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۷)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشرنی، چاپ دوم.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تانگ، روزماری. (۱۳۸۷)، *نقد و نظر: درآمدی جامع به نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه: منیژه نجم‌عراقی، تهران: نشرنی.
- راس‌من، گرچن و مارشال، کترین. (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ چهارم.
- رستگارخالد، امیر. (۱۳۹۰)، «اشتغال زنان و ضرورت کنترل فشارهای ناشی از کارخانگی»، *فصلنامه دانشور رفتار*، شماره ۱۹: ۳۳-۵۳.

فهم خانه‌داری به عنوان یک شغل و چالش‌های آن ... ۱۳۵

- ساعی‌ارسی، ایرج و نیک‌نژاد، زهرا. (۱۳۸۹)، «سهم کار خانگی زنان در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه»، *مجله علوم رفتاری*، شماره ۴: ۳۳-۵۶.
- سگالن، مارتین. (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- شریفی، حسن پاشا و شریفی، نسترن. (۱۳۸۰)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات سخن.
- شیخی، محمدتقی. (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۵)، «مطالعه جامعه‌شناختی کیفیت زندگی زنان خانه‌دار شهر تهران»، *مجله پژوهش‌های جامعه‌شناختی*، سال دهم، شماره ۱، پیاپی ۳۸: ۱۲۵-۱۵۲.
- فراستخواه، محمود. (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی، با تأکید بر نظریه (گراند تئوری GTM)*، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- فرهمند، مهناز؛ خاتمی سروی، خدیجه و محمد حسنی، رضیه. (۱۳۹۵)، «مقایسه سلامت اجتماعی، قدرت تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی و عزت نفس در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر یزد»، *مجله زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، شماره ۲، پیاپی ۲۶: ۱۴۷-۱۶۵.
- فلیک، اووه. (۱۳۹۲)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی خلیلی، تهران: نشر نی، چاپ ششم.
- کرسول، جان (۱۳۹۴)، *پژوهش کیفی و طرح پژوهش، انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)*، ترجمه: حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی، تهران: انتشارات صفار، چاپ دوم.
- کوئن، بروس. (۱۳۸۶)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ یازدهم.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۷)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ یازدهم.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش ۲*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ دوم.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور. (۱۳۸۵)، تهران: مرکز آمار ایران.
- مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵)، *از جنبش تا نظریه، تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: نشر پژوهش شیرازه، چاپ سوم.
- میشل، آندره. (۱۳۸۲)، *پیکار با تبعیض جنسیتی*، ترجمه: محمدجعفر پوینده، تهران: انتشارات چشمه، چاپ اول.

– هولمز، ماری. (۱۳۸۷)، جنسیت در زندگی روزمره، ترجمه: محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار.

- - Barstad, Anders. (2014). Equality Is Bliss? Relationship Quality and the Gender Division of Household Labor, *Journal of Family Issues*, 35(7), 972-992.
- Bianchi, S. M; Milkie, M. A; Sayer, L. C. and Robinson, J. P. (2000). “Is Anyone Doing the Housework? Trends in the Gender Division of Household Labor”, *Social Forces*, 79, 191–228.
- Bredtmann, J. (2014). *The Intra-Household Division of Labor: An Empirical Analysis of Spousal Influences on Individual Time Allocation*, Dortmund, Germany: Bochum University.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory Methodology: A Practical Guide through Qualitative Analysis*. London: Sage.
- Coltrane, S. (2000). Research on Household Labor: Modeling and Measuring the Social Embeddedness of Routine Family Work. *Journal of Marriage and the Family*, 62, 1208-1233.
- Claffey, S. T and Mickelson, K. D. (2009). Division of Household Labor and Distress: The Role of Perceived Fairness for Employed Mothers. *Sex roles*, 11, 819-831.
- Crawford, M. (2006). *Transformations: Women, Gender & Psychology*. New York: Mc Grow-Hill Companies. Inc.
- Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Craig, L and Sawrikar, P. (2007). Housework and divorce: *The Division of Domestic Labor and Relationship Breakdown in Australia*, [On-line]. Available: www.allacademic.com/p_mla_apa_research_citation.pdf.
- Davies, G and Dwyer, C. (2007). Qualitative Method: Are You Enchanted or Are You Alinated, *Journal of Progress in Human Geography*, 31, 34-45.
- Diefenbach, H. (2002). Gender Ideologies, Relative Resources, and the Division of Housework in Intimate Relationships: A Test of Hymen Rodman's theory of Resources in Culture Context. *International Journal of Comparative Sociology*, 43(1), 45-64.
- Frisco, M. L, and Williams, K. (2003). Perceived Housework Equity, Marital Happiness, and Divorce in Dual-Earner Households. *Journal of Family Issues*, 24, 51-72.

- Gelles, R. J. (1985). Family Violence, *Annual Review of Sociology*, 11, 347-367.
- Glesne, C. (2006), *Becoming Qualitative Researchers: An Introduction*, Boston: Pearson, (3rd Ed.).
- Greenstein, T. N. (2009). National Context, Family Satisfaction, and Fairness in the Division of Household Labor, *Journal of marriage and family*, 71(4), 1039-1051.
- Johnson, R.B. and Christensen, L.B. (2008). *Educational Research: Quantitative, Qualitative, and Mixed Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage, (3rd Ed.).
- Kawamura, S., & Brown, S. L. (2010). Mattering and Wives' Perceived Fairness of the Division of Household Labor. *Social Science Research*, 39(6), 976-986.
- Maxwell, J. (1997). *Designing a Qualitative Study*, In L. Bickman & D. J. Rog (Eds.), *Handbook of Applied Social Research Methods*, Thousand Oaks, CA: Sage, PP 69-100.
- Miller, P and Mulvey, CH. (2000). Women's Time Allocation to Child Care: Determinants and Consequences, *Journal of Australian Economics Papers*, 39, 1-24.
- Patton, M. (2001). *Qualitative Research & Evaluation Methods*, London: Sage Publication Ltd.
- Pinto, K. M and Ortiz, V. (2018). Beyond Cultural Explanations: Understanding the Gendered Division of Household Labor in Mexican American Families, *Journal of Family Issues*, 39, 3880-3902.
- Sova, C. C., & Roberts, J. E. (2018). Testing the cognitive catalyst model of rumination with explicit and implicit cognitive content. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 59, 115-120
- Sullivan, Sara, O. (2012). All Changed, Changed Utterly'?1 Gender role attitudes and the feminization of the Irish labor force, *Women's Studies International Forum*, 35(4), 223-232.
- Sullivan, O. & Gershuny, J. (2001). Cross-National Changes in Time Use: Some Sociological (hi) Stories re-Examined", *British Journal of Sociology*, 52, 331-347.
- Tomasello, M. (2008). *Origins of human communication*. Cambridge, MA, USA: MIT Press.